



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد

۲۰۲۵ / ۹ / ۹

کاندید اکادمیسین سیستانی

## افشای اهداف پنهانی زمان ستانیزی و خالدی در کم زدن اهمیت روز استقلال ملی کشور

درود بر نویسنده شجاع افغان (لمبه رنگریز) که باز هم شاهکار آفرید و با نگارش مقاله (دفاع از حقیقت تاریخی و ضرورت ایستادگی در برابر تحریف تاریخ) جواب محکمی به آنها داد که فرق میان یک شورش محلی را با جنگ برای استقلال ملی را کرده نمیتوانند. درک دقیق شما از عواقب خطرناک تلاش های داکتر ستانیزی و داکتر خالدی جهت تعویض روز ۲۸ اسد روز استقلال ملی ۱۹۱۹ به روز پیروزی شورش قندهار بر رهبری میرویس خان بر ضد سلطه صفوی و دفاع شجاعانه تان با سلاح علم و منطق مورد پسند بسیاری از وطن پرستان قرار گرفت که با کامنتهای فراوان استقبال گردید.

در راستای دیدگاه شما من هم میخواهم برداشتهای خود را در باره تلاش های این دوشخص بیان کنم.

هدف پنهانی تلاش های زمان ستانیزی و خالدی این است تا تاریخ استقلال را که در نتیجه جنگ سوم افغان و انگلیس و معاهده صلح راولپندی در تاریخ ۸ اگست ۱۹۱۹ بدست آمده و بعد از توشیح شاه امان الله در تاریخ ۱۸ اگست مطابق ۲۸ اسد اعلام گشته بود و مردم افغانستان و جهان همین روز را بنام روز استرداد استقلال کشور برسمیت شناخته اند و مردم افغانستان مدت ۱۰۶ سال از این روز تجلیل کرده اند و در واقع از فداکاری و شهادت پدران و نیاکان غیور خود با دهن و اتن تکریم و تقدیر کرده اند، این دو میخواهند با دلایل غیر منطقی روز ۲۸ اسد ۱۹۱۹ را ناموجه و بی اهمیت جلوه دهند و بگویند که مشروطه خواهان و منجمله محمود طرزی و شاه امان الله و یاران فداکارشان: عبدالهادی داوی و محمدولی خان دروازی و عبدالرحمن لودین و غلام نبی چرخ، و مورخانی چون حبیبی و کهزاد و غبار و پژواک و فرهنگ و استادان پوهنتون چون: علی محمدزها و داکتر فاروق اعتمادی و داکتر کاکر و غیره معنای استقلال را نمی دانسته اند و بناحق از این روز تجلیل کرده اند.

به نظر ستانیزی و خالدی روز استقلال روز پیروزی قیام میرویس خان برگورگین حاکم صفوی در ۱۷۰۹ است و باید آن روز بنام روز استقلال جشن گرفته شود. در حالی که بقول لمبه رنگریز قیام میرویس خان یک شورش محلی بر ضد استبداد خارجی بود و خیلی دقیق میگوید که: «قیام میرویس نیکه در ۱۷۰۹ علیه سلطه صفویان، بی تردید رویدادی مهم و حماسی در تاریخ مبارزات مردم غلجایی است».

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

این قیام توانست نفوذ صفویان را در قندهار پایان دهد، اما فاقد مؤلفه های یک استقلال ملی بود. نه معاهده‌ای بین‌المللی وجود داشت، نه ساختار دولتی مدرن شکل گرفت، و نه در سطح جهانی به‌عنوان کشوری مستقل شناخته شد. بنابراین، قیام ۱۷۰۹ را باید یک شورش محلی و منطقه‌ای دانست که ارزش و اهمیت خود را دارد، اما نمی‌توان آن را با استقلال ملی ۱۹۱۹ برابر دانست. زیرا استقلال ملی مقوله‌ای حقوقی، دیپلماتیک و بین‌المللی است. «(مقاله جلیل زاد در افغان جرمن آنلای) بلی دولت میرویس خان هوتکی از جانب هیچ کشوری برسمیت شناخته نشد. زیرا افغانستان شمول نبود و تنها ولایت قندهار از زیرسلطه بیگانه نجات یافته بود و بقیه جغرافیای افغانستان زیر تسلط مغولان هند و ازبکان شیبانی ماوراء النهر قرار داشت. در ۱۷۳۸ قندهار و سراسر افغانستان کنونی توسط نادرشاه افشار فتح و اشغال شد و مدت ده سال تمام افغانستان جزئی از دولت فارس بود و مردم قندهار و سراسر افغانستان به دولت فارس باج و خراج می پرداختند و گویا مستعمره دولت فارس بودند، اما آقای ستانیزی این دوره خفت و ذلت را بروی خود نمی آورد و لاف از استقلال دولت هوتکی میزند. و میگوید افغانستان هیچگاه مستعمره کشور دیگری نبوده است!!!

### زمان ستانیزی و خالدی در این پروژه دو هدف را نشانه گرفته اند:

۱- می‌خواهند روز تجلیل استقلال را که با نام امان الله خان پیوند ناگسستنی دارد، به سال ۱۷۰۹ و بنام میرویس خان تعویض کنند تا دیگر کسی از امان الله خان یاد نکند. در اینصورت است که دل انگلیس شاد میشود و خواهد گفت نخستین دشمن استعمار بگورستان تاریخ دفن شد.

۲- با انتقال جشن استقلال از ۲۸ اسد ۱۹۱۹ به ۱۷۰۹ میتواند میرویس خان به حیث موسس دولت معاصر افغانستان مطرح شود و در چنین حالتی ممکن است از احمدشاه درانی بحیث موسس دولت معاصر افغانستان کس یاد نکند. (بگذریم از اینکه درصدها کتاب و هزاران رساله و مقاله از احمدشاه درانی بحیث موسس دولت معاصر افغانستان یاد شده و کس به گفته ستانیزی و خالدی به اصلاح کتاب و رساله خود نمی پردازد.)

بی گمان نتیجه این کار سبب عکس العمل درانیان در برابر غلجاییان خواهد شد. و جنگ درانی و غلجی باعث نابودی افغانستان میشود. و پاکستان و ایران هر دو فرصت خواهند یافت تا قسمت هایی از افغانستان را اشغال کنند. عیبی ندارد اگر پدramیان هم دولت خراسان را در شمال هندوکش تشکیل دهند. اینست پروژه ای که ستانیزی و خالدی در جهت تحقق آن تلاش میورزند. کسانی که نمی‌خواهند افغانستان نابود شود باید سعی نمایند تا جلو این دو عنصر ضد نمادهای وحدت ملی (احمدشاه درانی و امان الله خان) را بگیرند.

و مثل نویسنده دلیر افغان خانم لمبه بگویند: «۲۸ اسد ۱۹۱۹ روزی است که استقلال افغانستان به رسمیت شناخته شد. نه قیام محلی ۱۷۰۹. تلاش برای تغییر این تاریخ، حذف نمادهای ملی و شعله‌ور کردن اختلافات قومی است. [ آگاهانه یا نا خود آگاه ] خالدی و ستانیزی با روایت‌های غیرمستند و من درآوردی، از کار باز مانده، مسخ شده و گذشته ستا، پروژه‌ای ضد وحدت ملی را دنبال می‌کنند. دفاع از تاریخ واقعی، دفاع از افغانستان واحد، مستقل و مقاوم در برابر استعمار و تجزیه‌طلبی است.» پایان